شرح جامع
حقوق جزای عمومی

مشتمل بر:

- **ساده‌سازی قوانین در معانی و تفاسیر**
- **به انضمام نظریات نگارنده**
- **درج نکات آزمونی**
- **درج آراء وحدت رویه**
- **درج نظریات مشورتی**
- **ترسیم نمودار و جداول آزمونی**
- **اعمال قانون جدید کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب (۱۳۹۹/۰۲/۲۳)**
- **و بخش‌نامه تعدیل جزای نقدی**

دکتر بهزاد ستاری

(وکیل پایه یک دادگستری _ مدرس دانشگاه)

چاپ نهم – ۱۴۰۵

به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد
به جویبار که در من جاری بود
به ابرها که فکرهای طویلم بودند
به رشد دردناک سپیدارهای باغ که با من
از فصل‌های خشک گذر می‌کردند
به دسته‌های کلاغان
که عطر مزرعه‌های شبانه را
برای من به هدیه می‌آوردند
به مادرم که در آینه زندگی می‌کرد
و شکل پیری من بود
و به زمین که شهوت تکرار من درون ملتهبش را
از تخمه‌های سبز می‌انباشت
سلامی دوباره خواهم داد
می‌آیم می‌آیم می‌آیم
با گیسویم ادامه بوهای زیر خاک
با چشم‌هایم: تجربه‌های غلیظ تاریکی
با بوته‌ها که چیده‌ام از بیشه‌های آن سوی دیوار
می‌آیم می‌آیم می‌آیم
و آستانه پر از عشق می‌شود
و من در آستانه به آنها که دوست می‌دارند
و دختری که هنوز آنجا
در آستانه پر عشق ایستاده، سلامی دوباره خواهم داد

فروغ فرخزاد

مقدمه مؤلف:

شرافت حقوق در این است که ما از مجموعه قواعدی که در دست داریم راهی را برای رسیدن به عدالت بسازیم. «مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان»

پیش از آنکه اقدام به نگارش کتابی که اکنون در اختیار رهپویان و علاقه‌مندان حقوق است نمایم، طی دوران تحصیل، اشتغال و تدریس خود به دانشجویانی برخورده‌ام که به دلیل حجم بالا و تراکم بیش از حد مواد قانونی از تحصیل و نتیجه‌گیری در این رشته ناامید شده و علی‌رغم شایستگی‌ها، مغلوب آزمون‌های دشوار حقوقی گشته و ناگزیر به هزاران آرزوی شیرین خود به تلخی وداع گفته و بالإجبار به رشته و شغلی به دور از رؤیاهای خود روی آورده‌اند؛ لذا با توکل به خدا و به تأسی از "زکات العلم نشرها"، بر آن شدم تا با نگارش چنین کتابی قدمی هرچند کوچک جهت هموارکردن این مسیر سنگلاخ و دشوار برای علاقه‌مندان به حقوق بردارم.

نظر به اینکه از دیرباز حجم بالا، گستردگی، پیچیدگی و فشردگی مواد قانونی، شباهت و تعارضات برخی مواد با یکدیگر و آمیختگی موجود در معانی و تفاسیر آنها تبدیل به دغدغه‌ی جدی بسیاری از حقوق‌خوانان علی‌الخصوص داوطلبان آزمون‌های حقوقی گردیده پس از بررسی‌های دقیق و تحقیقات بسیار، کتاب حاضر که منطبق بر مواد حقوق جزای عمومی و سایر قوانین و مقررات مرتبط تنظیم شده است، خلق شد؛ در این اثر کوشش شده تا در راستای تسهیل دسترسی به مفاد قانونی و نیز برقراری ارتباط هرچه بهتر با مخاطب نکته‌سنج حقوقی از روش‌هایی همچون ساده‌سازی مواد قانونی در معانی و تفاسیر، استخراج نکات آزمونی، برجسته‌سازی مطالب مهم و کلیدی همراه با نمودارهای شکلی، بهره جوییم. فلذا کتاب حاضر، پکیج کاملی است از قانون حقوق جزای عمومی، آراء وحدت رویه، نظریات مشورتی، قوانین خاص کیفری و همچنین قانون جدید کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ که مخاطب را از تهیه هر کدام از این منابع به‌طور جداگانه بی‌نیاز می‌سازد.امید است این اثر که حاصل مدتها فعالیت مطالعاتی، نوشتاری، بازخوانی و بازبینی مکرر است در سایه‌ی عنایت باری تعالی راهگشای جامعه‌ی حقوقی جوان و آینده‌ساز ایران اسلامی باشد، چراکه:

"تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافریست / راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش"

در پایان شایسته است به نیکی یاد کنم از اساتید ارجمندی چون دکتر سیّدعلی آزمایش، دکتر محمدعلی اردبیلی، دکتر ایرج گلدوزیان، دکتر امیر سماواتی و دکتر محمد مصدق که با چراغ فروزان آثار این بزرگواران از مسائلی که پیش می‌آمد گره‌گشایی کرده‌ام.

لازم به ذکر است که نگارنده به هیچ‌وجه مدعی بی‌نقصی اثر موجود نبوده و این اثر نیز مانند هر مکتوب بشری دیگر، عاری از کاستی نیست؛ بنابراین تقاضامندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به آدرس پست الکترونیکی و کانال تلگرامی اینجانب امهررسال فرمایید:

دکتر بهزاد ستاری-

ایمیل: ***Sattari_behzad@yahoo.com***

تلگرام: **t.me/amoozesh_law**

پیج اینستاگرام: **@dr.sattari.behzad**

تقدیم به:

عزیزترین‌های زندگی‌ام، پدر و مادر مهربانم
سپاسگزار کسانی هستم که سرآغاز تولد من هستند.
از یکی زاده می‌شوم و از دیگری جاودانه.
پدری که سپیدی را بر تخته سیاه زندگی‌ام نگاشت؛
و
مادری که تار مویی از او به پای من سیاه نماند.

فهرست مطالب

حقوق جزای عمومی ۱

فصل اول: کلیات ۱۸

- مبحث اول: حقوق جزا و منابع حقوق جزا ۱۸
  - گفتار اول: تعریف حقوق جزا ۱۸
  - گفتار دوم: منابع حقوق جزا ۲۰
    - بند اول: منابع اصلی یا الزامی (استنادی یا صوری یا مدوّن) ۲۱
    - بند دوم: منابع فرعی یا ارشادی (استدلالی یا مکمل) ۲۵

فصل دوم: قلمرو قوانین جزایی در مکان و زمان ۲۷

- مبحث اول: قلمرو قوانین جزایی در مکان ۲۷
  - گفتار اول: اصل صلاحیت سرزمینی ۲۸
    - بند اول: جرایم ارتکابی توسط مأموران سیاسی ۲۹
    - بند دوم: جرایم ارتکابی توسط مأموران دیپلمات ۳۰
    - بند سوم: جرایم ارتکابی توسط مأموران کنسولی ۳۱
    - بند چهارم: جرایم ارتکابی در داخل کشتی‌های خارجی در حال عبور از قلمروی دریایی ۳۲
    - بند پنجم: جرایم ارتکابی در داخل هواپیمای خارجی در حال عبور از قلمرو هوایی ایران ... ۳۳
  - گفتار دوم: اصل صلاحیت واقعی (صلاحیت حمایتی یا حفاظتی) ۳۷
  - گفتار سوم: اصل صلاحیت شخصی فعال و منفعل ۴۳
    - بند اول: تعریف اصل صلاحیت شخصی فعال یا مثبت (بزهکار محور) ۴۳
    - بند دوم: اصل صلاحیت شخصی منفعل یا منفی (بزه‌دیده محور) ۴۷
  - گفتار چهارم: اصل صلاحیت جهانی (بین‌المللی) ۵۰
- مبحث دوم: قلمرو حقوق جزا در زمان (عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری) ۵۲
  - گفتار اول: استثنائات وارده بر اصل عطف به‌ماسبق نشدن قوانین کیفری ۵۴
    - بند اول: قوانین و احکام الهی ۵۴
    - بند دوم: قوانین تفسیری ۵۵
    - بند سوم: قوانین خفیف تر ۵۶

- بند پنجم: قوانین شکلی ۶۰
- بند ششم: تصریح قانونگذار ۶۳

فصل سوم: اصل قانونی بودن جرم و مجازات ۶۴

فصل چهارم: تعریف جرم و عناصر تشکیل‌دهنده جرم ۶۶

- مبحث اول: تعریف و مفهوم جرم ۶۶
  - گفتار اول: فعل (رفتار مجرمانه مثبت) ۷۰
  - گفتار دوم: ترک فعل (رفتار مجرمانه منفی) ۷۰
  - گفتار سوم: فعل ناشی از ترک‌فعل ۷۱
  - گفتار چهارم: حالت یا وضعیت ۷۲
  - گفتار پنجم: داشتن یا نگهداری ۷۳
- مبحث دوم: عناصر تشکیل‌دهنده جرم ۷۳
  - گفتار اول: عنصر قانونی ۷۴
  - گفتار دوم: عنصر روانی (معنوی) ۷۴
  - گفتار سوم: عنصر مادی ۷۴

فصل پنجم: تقسیم‌بندی جرایم ۷۵

- مبحث اول: انواع جرایم از لحاظ عنصر روانی ۷۵
  - گفتار اول: جرایم عمدی ۷۵
    - بند اول: علم مرتکب در جرایم عمدی ۷۶
    - بند دوم: انگیزه و قصد ۷۶
  - گفتار دوم: جرایم مادی محض (صرف) ۷۹
  - گفتار سوم: جرایم غیرعمدی ۸۰
- مبحث دوم: انواع جرم از لحاظ ساختار ۸۲
  - گفتار اول: جرم ساده یا بسیط ۸۲
  - گفتار دوم: جرم مرکب ۸۳
  - گفتار سوم: جرم به عادت یا اعتیادی ۸۴
- مبحث سوم: انواع جرم از لحاظ نتیجه ۸۴

- گفتار اول: جرم مطلق ۸۵
- گفتار دوم: جرم مقیّد ۸۵
- مبحث چهارم: انواع جرم از لحاظ زمان ۸۶
- گفتار اول: جرم آنی ۸۶
- گفتار دوم: جرم مستمر ۸۷
- گفتار سوم: جرم استمراریافته (جرم مکرّر یا متوالی) ۸۸
- مبحث پنجم: شروع به جرم ۸۹
- گفتار اول: شرایط لازم برای تحقق شروع به جرم ۹۰
- بند اول: قصد مرتکب برای ارتکاب جرم ۹۱
- بند دوم: شروع به عملیات اجرایی جرم ۹۱
- بند سوم: عامل خارج از اراده مرتکب ۹۳
- بند چهارم: عدم وقوع جرم ۹۴
- گفتار دوم: مجازات شروع به جرم (ماده ۱۲۲ ق.م.ا) ۹۶
- گفتار سوم: مراحل پس از شروع به جرم ۱۰۰
- بند اول: جرم تام ۱۰۰
- بند دوم: جرم محال ۱۰۰
- بند سوم: جرم عقیم ۱۰۳

فصل ششم: علل موجهه جرم ۱۰۷

- مبحث اول: حکم قانون ۱۰۸
- مبحث دوم: اجازه قانون ۱۰۹
- مبحث سوم: اقدامات تأدیبی ۱۱۰
- مبحث چهارم: عملیات ورزشی ۱۱۱
- مبحث پنجم: عملیات پزشکی ۱۱۲
- مبحث ششم: اجرای قانون اهم ۱۱۵
- مبحث هفتم: امرِ آمر قانونی ۱۱۶
- مبحث هشتم: رضایت مجنیٌ‌علیه ۱۱۸

- مبحث نهم: دفاع مشروع ۱۲۱
- مبحث دهم: اضطرار ۱۲۹

حقوق جزای عمومی ۲

فصل هفتم: مجرم (یا بزهکار) ۱۳۶

- مبحث اول: تعریف جرم (یا بزه) ۱۳۶
- مبحث دوم: تعریف مجرم (یا بزهکار) ۱۳۶
- مبحث سوم: اقسام بزهکاری به اعتبار نقش آن‌ها ۱۳۷
  - گفتار اول: مباشرت ۱۳۷
    - بند اول: تعریف فاعل جرم (یا مباشر جرم) ۱۳۷
    - بند دوم: فاعل مادی ۱۳۷
    - بند سوم: فاعل معنوی ۱۳۸
    - بند چهارم: تفاوت معاونت با فاعل معنوی ۱۳۹
  - گفتار دوم: شرکت در جرم ۱۴۰
    - بند اول: تعریف شرکت در جرم ۱۴۰
    - بند دوم: شرایط تحقق شرکت در جرم ۱۴۰
    - بند سوم: استثنائات شرکت در جرم..... ۱۴۵
    - بند چهارم: نکات آزمونی ۱۴۶
    - بند پنجم: مجازات شرکت در جرم ۱۴۶
  - گفتار سوم: معاونت در جرم ۱۵۰
    - بند اول: تعریف معاونت ۱۵۰
    - بند دوم: شرایط تحقق معاونت در جرم ۱۵۵
    - بند سوم: مجازات معاونت در جرم ۱۶۱
    - بند چهارم: تفاوت مشارکت با معاونت ۱۶۵

فصل هشتم: مسئولیت کیفری ۱۶۷

- مبحث اول: تعریف مسئولیت کیفری ۱۶۷

- مبحث دوم: مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر (فاعل میانجی) ۱۶۷
  - گفتار اول: مبنای مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر (فاعل میانجی) ۱۶۹
  - گفتار دوم: نظریه خطر ۱۶۹
  - گفتار سوم: نظریه تقصیر ۱۷۰
- مبحث سوم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ۱۷۰
- مبحث چهارم: شرایط مسئولیت کیفری ۱۷۰

فصل نهم: موانع مسئولیت کیفری ۱۷۱

- مبحث اول: انواع موانع مسئولیت کیفری ۱۷۱
- مبحث دوم: موانع شخصی و عینی ۱۷۲
- مبحث سوم: علل رافع مسئولیت کیفری ۱۷۴
  - گفتار اول: صِغَر ۱۷۴
    - بند اول: بررسی مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی و تربیتی کودکان و نوجوانان ۱۷۵
    - بند دوم: ارتکاب جرایم مستوجب تعزیر ۱۷۶
    - بند سوم: ارتکاب جرایم مستوجب حد و قصاص ۱۸۴
    - بند چهارم: ارتکاب جرایم مستوجب دیه ۱۸۷
  - گفتار دوم: جنون ۱۹۰
    - بند اول: تعریف جنون ۱۹۰
    - بند دوم: انواع جنون ۱۹۰
    - بند سوم: بررسی جنون در مراحل مختلف جرم ۱۹۱
  - گفتار سوم: اجبار و اکراه ۱۹۵
    - بند اول: تعریف اجبار و اکراه..... ۱۹۵
    - بند دوم: انواع اجبار ۱۹۶
    - بند سوم: اجبار مادی ۱۹۷
    - بند چهارم: اجبار معنوی ۱۹۹
    - بند پنجم: نتیجه‌گیری ۲۰۱
  - گفتار چهارم: بررسی اکراه در انواع جرایم ۲۰۱

◢ بند اول: اکراه در جرایم مستوجب تعزیر ۲۰۱
◢ بند دوم: اکراه در جرایم مستوجب حدود ۲۰۱
◢ بند سوم: اکراه در جرایم مستوجب قصاص نفس ۲۰۳
◢ بند چهارم: اکراه در جرایم مستوجب قصاص عضو ۲۰۵
◢ بند پنجم: تفاوت اضطرار و اکراه ۲۰۷
○ گفتار پنجم: اشتباه یا جهل ۲۰۸
◢ بند اول: انواع جهل یا اشتباه ۲۰۹
✓ الف: جهل یا اشتباه حکمی ۲۰۹
✓ ب: جهل یا اشتباه موضوعی ۲۱۱
◢ بند دوم: اشتباه در جنایات برنفس ۲۱۲
◢ بند سوم: اشتباه قاضی و ضمان آن ۲۱۲
○ گفتار ششم: مستی ۲۱۳
○ گفتار هفتم: خواب یا بی‌هوشی ۲۱۵
◢ بند اول: خواب یا بی‌هوشی اتفاقی و تعمدی ۲۱۵
◢ بند دوم: مسئولیت کیفری در خواب یا بی‌هوشی ۲۱۶

حقوق جزای عمومی ۳

فصل دهم: مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی ۲۱۸
• مبحث اول: تعریف مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی ۲۱۸
• مبحث دوم: تفاوت مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی ۲۲۰
• مبحث سوم: انواع مجازات‌ها ۲۲۱
○ گفتار اول: انواع مجازات‌های اصلی اشخاص حقیقی ۲۲۱
○ گفتار دوم: انواع مجازات‌های تعزیری اشخاص حقوقی ۲۳۱
○ گفتار سوم: مجازات‌های تکمیلی ۲۳۶
◢ بند اول: تعریف مجازات‌های تکمیلی ۲۳۶
◢ بند دوم: ضمانت اجرای تخلف از مجازات تکمیلی ۲۴۲

- گفتار چهارم: مجازات تبعی ۲۴۴
  - بند اول: تعریف مجازات تبعی ۲۴۴
  - بند دوم: مهلت‌های اعمال مجازات تبعی ۲۴۷
  - بند سوم: مواعد شروع مجازات‌های تبعی ۲۴۹
  - بند چهارم: تفاوت‌های بین مجازات‌های تکمیلی و تبعی ۲۵۱
- گفتار پنجم: مجازات‌های بدنی ۲۵۲
  - بند اول: مجازات‌های سالب حیات ۲۵۲
- گفتار ششم: مجازات‌های مالی ۲۵۳
  - بند اول: دیه ۲۵۳
  - بند دوم: مجازات جزای نقدی ۲۵۵
  - بند سوم: مجازات مصادره اموال ۲۵۷
- گفتار هفتم: مجازات‌های سالب حیثیت ۲۵۷
- گفتار هشتم: نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها ۲۶۰

فصل یازدهم: عوامل مؤثر در تعیین نوع و مقدار مجازات ۲۶۲

- مبحث اول: انواع معاذیر ۲۶۲
  - گفتار اول: معاذیر قانونی معاف‌کننده ۲۶۳
  - گفتار دوم: معاذیر قانونی تخفیف‌دهنده ۲۶۵
    - بند اول: مصادیقی از معاذیر قانونی تخفیف دهنده ۲۶۵
    - بند دوم: نکات آزمونی ۲۶۶
    - بند سوم: تفاوت معاذیر قانونی با علل موجهه و عوامل رافع مسئولیت کیفری ۲۶۷
- مبحث دوم: معاذیر قضایی معاف‌کننده یا تخفیف‌دهنده (یا کیفیات مخففه قضایی) ۲۶۷
  - گفتار اول: معاذیر قضایی تخفیف‌دهنده ۲۶۷
    - بند اول: مقررات عام ۲۷۳
    - بند دوم: مقررات خاص تخفیف ۲۷۴
  - گفتار دوم: معاذیر قضایی معاف‌کننده ۲۷۷
  - گفتار سوم: تفاوت بین معاذیر قانونی با معاذیر قضایی ۲۷۸
- مبحث سوم: کیفیات مشدّده ۲۷۸

○ گفتار اول: کیفیات مشدّده خاص ۲۷۹
◢ بند اول: کیفیات مشدّده نوعی (یا عینی یا موضوعی یا واقعی) ۲۷۹
◢ بند دوم: کیفیات مشدّده شخصی ۲۸۱
○ گفتار دوم: کیفیات مشدّده عام ۲۸۱
▪ بند اول: تعدّد جرم ۲۸۱
✓ الف: تعدّد معنوی (یا اعتباری) ۲۸۲
✓ ب: تعدّد مادی ۲۸۴
◢ بند دوم: تکرار جرم ۳۰۱
◢ بند سوم: اجتماع تعدّد و تکرار جرم ۳۰۹
فصل دوازدهم: عوامل مؤثر بر اجرای مجازات تعزیری ۳۰۹
• مبحث اول: تعویق صدور حکم ۳۱۰
• مبحث دوم: تعلیق مجازات ۳۱۸
• مبحث سوم: آزادی مشروط ۳۲۷
• مبحث چهارم: نظام نیمه‌آزادی ۳۳۳
• مبحث پنجم: نظارت الکترونیکی ۳۳۵
• مبحث ششم: مجازات‌های جایگزین حبس ۳۴۰
فصل سیزدهم: سقوط مجازات و زوال محکومیت کیفری ۳۴۹
• مبحث اول: فوت متهم یا محکومٌ‌علیه ۳۵۰
• مبحث دوم: گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت ۳۵۰
• مبحث سوم: عفو ۳۵۷
○ گفتار اول: عفو عمومی ۳۵۸
○ گفتار دوم: عفو خصوصی ۳۵۸
• مبحث چهارم: نسخ مجازات قانونی ۳۵۹
• مبحث پنجم: مرور زمان ۳۶۰
○ گفتار اول: مرور زمان شکایت ۳۶۱
○ گفتار دوم: مرور زمان تعقیب ۳۶۲

○ گفتار سوم: مرور زمان صدور حکم ۳۶۴
○ گفتار چهارم: مرور زمان اجرای مجازات ۳۶۵
○ گفتار پنجم: مبدأ مرور زمان کیفری ۳۶۶
○ گفتار ششم: تعلیق مرور زمان ۳۶۷
• مبحث پنجم: توبه ۳۶۹
• مبحث ششم: قاعده درأ ۳۷۵
فصل چهاردهم: ادله اثبات در امور کیفری ۳۷۶
• مبحث اول: اقرار ۳۷۶
• مبحث دوم: شهادت ۳۸۰
• مبحث سوم: سوگند ۳۸۳
• مبحث چهارم: علم قاضی ۳۸۵
فصل پانزدهم: آراء وحدت رویه از سال ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۴ ..... ۳۸۷
منابع و مآخذ ۳۹۲

حقوق جزای عمومی ۱

فصل اول: کلیات

▪ مبحث اول: حقوق جزا و منابع حقوق جزا

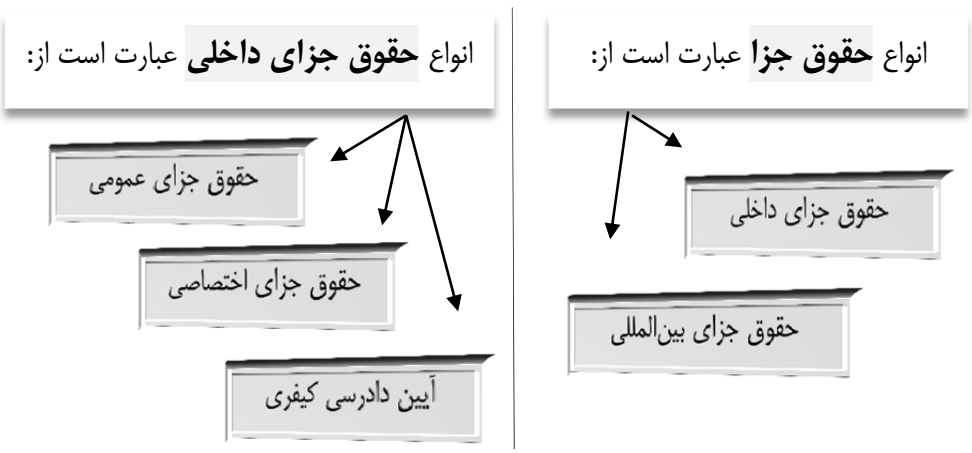
◢ گفتار اول: تعریف حقوق جزا

* **حقوق جزا** .....◄ عبارت است از مجموعه قواعدی که بر عکس‌العمل دولت در مقابل اعمال ضد اجتماعی حاکم می‌باشد تا از طریق تهدید به مجازات و یا اجرای آن و یا به کار گرفتن اقدامات تأمینی یا تربیتی از اعمال مزبور پیشگیری و عدالت نسبی و نظم و امنیت را برقرار نماید. (گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، تهران، ص ۱۳)

ماده ۱ ق.م.ا

قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرایم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آن‌ها است.

* حقوق جزا یکی از رشته‌های **حقوق عمومی** است. (باهری، محمد، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دانشگاه تهران، انتشارات رهام، تهران، ص ۳۴)



* حقوق جزای عمومی

* حقوق جزای عمومی، به مطالعه قواعد کلی و مشترک جرایم و مجازات‌ها می‌پردازد. به‌طور کلی شروط تحقق بزه و عناصر جرم اعم از عنصر مادی، روانی و قانونی در ابواب حقوق جزای عمومی مطالعه می‌شود. (اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، انتشارات میزان، چاپ سی‌ام، سال ۹۲، ص ۶۴)



حقوق جزای عمومی، در واقع الفبای حقوق جزا محسوب می‌شود که در وهله اول ما را با تعریف و نحوه تشخیص دادن جرم و مجرم آشنا می‌کند و در وهله بعد اینکه چگونه می‌توانیم ضمن مجازات مجرمین، تحت شرایطی مقررات تخفیف یا تشدید مجازات را در قبال آن‌ها اعمال نماییم را به ما می‌آموزد.

* مصادیقی از حقوق جزای عمومی:

۱- تعریف جرم و عناصر تشکیل‌دهنده آن؛
۲- انواع جرائم؛
۳- اقسام بزهکار؛ (مباشر، شریک، معاون، طریقه مداخله در ارتکاب جرم)
۴- شرایط و موانع مسئولیت کیفری؛
۵- مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی؛
۶- کیفیات مخففه و مشدّده؛
۷- علل سقوط مجازات‌ها.

* حقوق جزای اختصاصی

* در حقوق جزای اختصاصی، هر جرمی به‌طور خاص و مجزا مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت ساده‌تر عناصر تشکیل‌دهنده جرم، مجازات و کیفیات آن را برای هر جرمی به‌طور جداگانه بررسی می‌نماید.

مثال ۱: جرم خیانت در امانت در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، به طور جداگانه و تخصصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مثال ۲: جرم سرقت حدی در ماده ۲۶۷ الی ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی، به طور جداگانه و تخصصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

* مصادیقی از حقوق جزای اختصاصی:

۱- جرائم علیه اموال و مالکیت؛ (حقوق جزای اختصاصی ۱)
۲- جرائم علیه مصالح عمومی کشور؛ (حقوق جزای اختصاصی ۲)
۳- جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص؛ (حقوق جزای اختصاصی ۳)
۴- جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص. (حقوق جزای اختصاصی ۴)



تفاوت حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی

به مثابه پزشک عمومی و پزشک متخصص می‌ماند. پزشک عمومی، دانش و اطلاعات عمومی درباره تمامی بیماری‌ها را دارد؛ در حالی‌که پزشک متخصص، علی‌رغم داشتن دانش‌های پزشک عمومی، در شاخه مجزایی مانند قلب و عروق به صورت فنی و تخصصی به کسب علم پرداخته است.

* آیین دادرسی کیفری

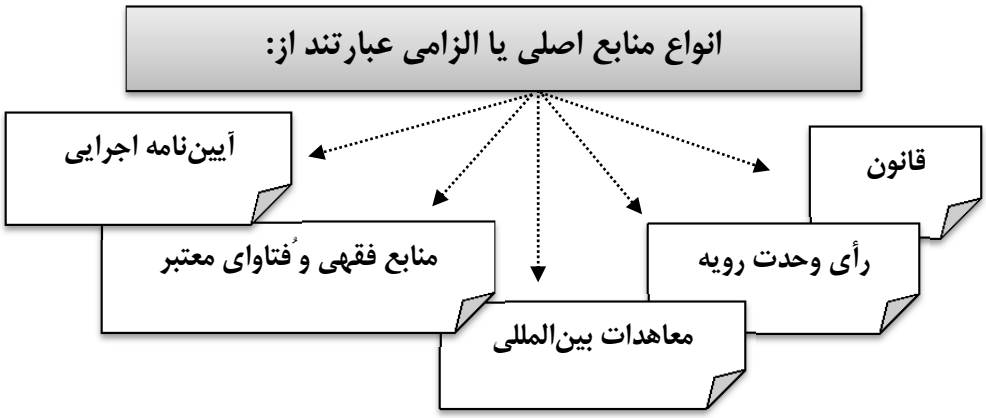
* آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود. (ماده ۱ ق.آ.د.ک)

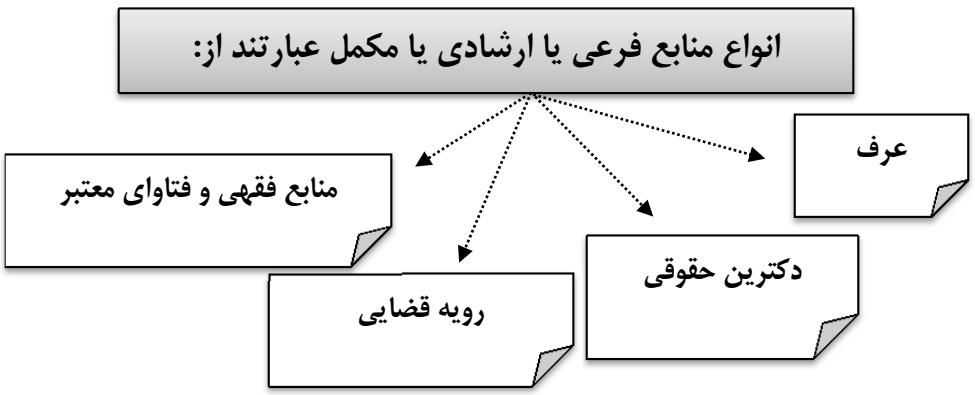
◢ گفتار دوم: منابع حقوق جزا

* **منابع حقوق جزا عبارت است از:** (اردبیلی، محمدعلی، کلیات حقوق جزا، انتشارات میزان، ۹۷، ص۷۵)

۱- منابع اصلی یا الزامی؛
۲- منابع فرعی یا ارشادی.

بند اول: منابع اصلی یا الزامی (استنادی یا صوری یا مدوّن)





* **در خصوص اینکه آیا منابع فقهی و فتاوای معتبر جزء منابع اصلی هستند یا فرعی؟!**

اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان مانند دکتر نوربها، آن را جزء منابع الزامی تلقی نموده و برخی دیگر مانند دکتر محمدعلی اردبیلی، آن را جزء منابع فرعی تلقی می‌نمایند.

➢ **نکته:** *منابع اصلی یا الزامی*، منابعی هستند که مراجع قضایی در تصمیم‌گیری و صدور احکام خود، مکلف هستند به آن‌ها استناد نمایند. مانند: قانون یا آراء وحدت رویه؛ اما *منابع فرعی یا ارشادی یا مکمل*، منابعی هستند که برخلاف منابع اصلی یا الزامی، مراجع قضایی نمی‌توانند در تصمیم‌گیری و صدور احکام خود به آن‌ها استناد نمایند، زیرا این منابع صرفاً جنبه ارشادی برای تشخیص موضوع دارد. مانند: عرف یا رویه قضایی یا نظریه دکترین حقوقی.

۱- قانون

* مقصود از قانون، همان مقرراتی است که با تشریفات مندرج در قانون اساسی، از تصویب مجلس شورای اسلامی می‌گذرد. این قبیل مصوبات را در برابر قانون اساسی، قوانین عادی نیز می‌نامند. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۷۵)

* مصادیقی از قوانین کیفری:

۱- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳؛

۲- قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱؛

۳- قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷/۰۷/۰۳؛

۴- قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۷/۰۴/۳۱؛

۵- قانون مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب ۱۳۹۶/۰۳/۱۰.

* فرآیند نحوه قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی:

۱- تصویب لوایح قانونی یا طرح‌های قانونی در مجلس؛

۲- تأیید شورای نگهبان از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی؛

۳- امضاء رئیس جمهور؛

۴- ابلاغ به قوه مجریه و قضائیه؛

۵- انتشار در روزنامه رسمی.

۲- رأی وحدت رویه

* هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، **آراء مختلفی** صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریقی که آگاه شوند مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. (ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک)

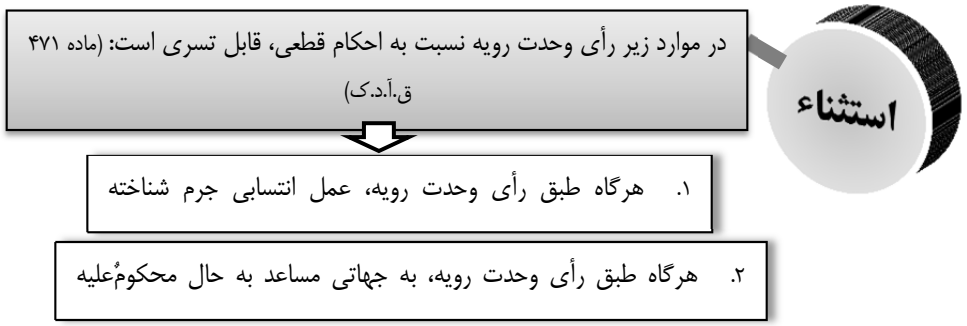
مثال ۱: در خصوص زوجین نابارروی که تقاضای دریافت جنین دارند، اختلافی به این شکل وجود داشت که برخی از دادگاه‌ها معتقد بودند این زوجین بایستی به دادگاه، دادخواست بدهند و برخی دیگر معتقد بودند که نیازی به تقدیم دادخواست نبوده بلکه صرفاً با درخواست قابل رسیدگی می‌باشد؛ لذا رأی وحدت رویه‌ای از سوی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۴ به شماره ۷۵۵ صادر شد و هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظر دادند که زوجین

نابارووری که قصد دریافت جنین دارند، نیازی به تقدیم دادخواست نداشته و صرفاً با تقدیم درخواست به دادگاه، به تقاضای آن‌ها رسیدگی خواهد شد.

مثال ۲: از آنجا که برخی دادگاه‌ها در مورد سرقت ارتکابی توسط سارقان متعدّد، همه آن‌ها را متضامناً محکوم به رد مال به مالک می‌نمودند و بدین ترتیب رویه‌های مختلف در موضوع واحد شکل گرفته بود؛ لذا رأی وحدت رویه‌ای از سوی دیوان عالی کشور به شماره ۷۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ صادر شد و هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظر دادند که هر یک از سارقان **به میزان مالی که برده است** مسئول رد اموال مسروقه است و اگر میزان مال ربوده شده توسط هر یک معلوم نباشد، با توجه به استثنائی بودن تضامن، اصل تساوی حاکم است.

نکته: رأی وحدت رویه برای شعب دیوان‌عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیرآن **لازم‌الإتباع** است.

اصل: رأی وحدت رویه نسبت به احکام قطعی، **بی‌اثر** است. (ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک)



۳- معاهدات بین‌المللی

* معاهده عبارت است از **توافق بین‌المللی** که به صورت کتبی، بین دو یا چند تابع حقوق بین‌الملل منعقد شده باشد. هرگاه به موجب معاهده‌ای، دولت ایران (مجلس شورای اسلامی) بپذیرد که فعل یا ترک فعلی را در قلمرو خود جرم تلقی کند و یا بزهکارانی را به دولت دیگر مسترد بدارد معاهده مذکور، همچون قوانین داخلی محسوب شده و لازم الإجراء می‌باشد. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۸۵)

*** انواع معاهدات بین‌المللی که ایران به آن ملحق شده است:** (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۸۵)

۱- پروتکل ژنو مربوط به منع استعمال گازهای سمی و مواد میکروبی؛

۲- قرارداد بین‌المللی ژنو راجع به الغاء خرید و فروش زنان و کودکان؛

۳- مقاوله‌نامه منع کشتار جمعی؛

۴- قراردادهای چهارگانه ژنو معروف به حقوق بشر دوستانه؛

۵- کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید.

٤- منابع فقهی یا فتاوای معتبر

* در مواردی که دادگاه‌های کیفری در یافتن ماهیت بعضی از حقایق شرعی و یا فقهی، با نقص قانون مواجه هستند باید با استناد به منابع فقهی و یا فتاوای معتبر، این نقص را مرتفع سازند. منظور از منابع فقهی معتبر نزد امامیه، ۱- کتاب ۲- سنت ۳- اجماع ۴- عقل است. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۵۶)

نتیجه: منابع فقهی یا فتاوای معتبر، ***صرفاً در جرایم مستوجب حدود*** که در قانون مجازات اسلامی ذکر نشده‌اند، منبع اصلی و الزامی هستند و در غیرحدود، جزء منابع فرعی یا ارشادی تلقی می‌گردند.

ماده ۲۲۰ ق.م.ا

در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی عمل می‌شود. (یعنی مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر)

مثال ۱: قانونگذار در ماده ۳۱۰ ق.م.ا، از غیرمسلمانانی نام برده است که ذمی، مستأمن و معاهد هستند، لیکن اوصاف آن‌ها را بیان نکرده و مشخص نکرده آنان چه فرقی با کافر دارند و یا فرق آن‌ها با هم چیست؟! لذا در این‌باره دادگاه‌ها با سکوت قانون مواجه هستند. به همین جهت باید با مراجعه به منابع فقهی و یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را بیابند.

مثال ۲: قانونگذار در خصوص «وطی کردن با چهارپایان» سخنی ذکر نکرده است. بنابراین قاضی می‌تواند با مراجعه به منابع فقهی و یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را بیابد.

۵- آیین‌نامه‌های اجرایی

* اگرچه تنها مقامی که صلاحیت عام، برای وضع قوانین را دارد قوه مقننه می‌باشد، اما قوه مجریه (مانند هیأت دولت، هیأت وزیران و ...) اجازه دارد خواه برای اجرای قانون، آیین‌نامه‌های اجرایی (غیر مستقل) و خواه برای انجام دادن وظایف اداری، آیین‌نامه‌های مستقل وضع کند. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۸۰)

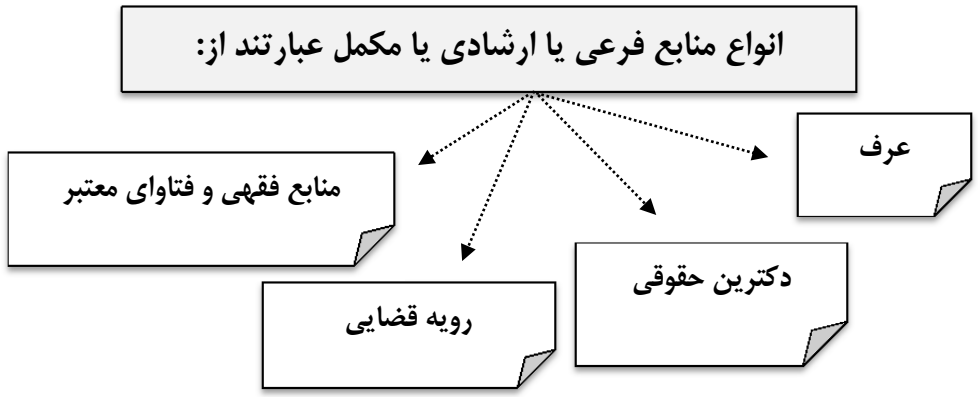
*** مصادیقی از آیین‌نامه‌های اجرایی عبارتند از:** (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۸۲)

۱- آیین‌نامه تعزیرات حکومتی (گرانفروشی، احتکار، تخلفات مربوط به کوپن و ....)؛
۲- آیین‌نامه تعزیرات حکومتی امور گندم، آرد و نان؛
۳- آیین‌نامه تعزیرات حکومتی سوءاستفاده و تخلفات اقتصادی از شناسنامه‌ها؛
۴- آیین‌نامه تعزیرات حکومتی خدمات حمل و نقل بار و مسافر برون شهری.

*** از جمله آیین‌نامه‌هایی که ماهیت کیفری دارند عبارتند از:** (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۸۴)

۱- آیین‌نامه ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹؛
۲- آیین‌نامه اجرایی قانون پولشویی مصوب ۱۳۸۸.

◢ بند دوم: منابع فرعی یا ارشادی (استدلالی یا مکمل)



۱- عرف

* عرف را می‌توان عاداتی تلقی کرد که به تدریج در میان مردم یا گروهی از مردم به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور مرسوم شده است. گاه در میان مردم رعایت قاعده‌ای آنچنان قوّت می‌گیرد که تخطّی از آن مغایر توقعات جمعی محسوب می‌شود. مبنای اعتبار عرف، ضرورت‌های زندگی اجتماعی است چنانکه پس از چندی به نظر می‌رسد همگان بر این عادت، تراضی ضمنی کرده‌اند. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۹۱)

مثال ۱: برای تشخیص رفتار توهین‌آمیز در جرم توهین و اینکه آیا واژه‌هایی از قبیل "بی‌شعور یا کثافت یا مرتیکه یا بی‌لیاقت"، توهین تلقی می‌گردد یا خیر؟! به عرف رجوع می‌گردد.

مثال ۲: برای تشخیص حِرز و اینکه آیا ویترین طلافروشی در سرقت حدی حِرز محسوب می‌شود یا خیر؟! به عرف رجوع می‌شود. (مانند عرف اتحادیه طلافروشان)

۲- دکترین حقوقی

* مقصود از عالمان حقوق یا دکترین حقوقی، همه کسانی هستند که در زمینه حقوق در یک یا چند مسأله صاحب‌نظر هستند. مانند اساتید حقوق (مثل مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان؛ پدر علم حقوق ایران)، قضات و وکلای دادگستری که هر یک به نسبت حرفه و جایگاه خود صاحب‌نظر هستند. نظرات عالمان حقوق از راه‌های گوناگون ابراز می‌شود، گاه با نوشتن کتاب‌ها، مقالات و گاه با سخنرانی‌ها در نشست‌ها و گردهمایی‌های علمی. یک نمونه از آن شرح مواد قوانین موضوعه، نقد آراء قضایی و دفاع از طرح‌های قانونی است. نقد کردن آراء صادره از مراجع قضایی در کتاب‌ها و مجلّات تخصصی، تحلیل و تشریح مواد قانونی در لوایح دفاعی وکلای دادگستری، همگی راهنمای با ارزشی در تصمیم‌گیری‌های قضات محسوب می‌شود. به همین دلیل عقاید علمای حقوق از زمره منابع ارشادی حقوق به شمار می‌رود که خود ممکن است در ساختن نظام قضایی بسیار مؤثر باشد. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص۸۹)

۳- رویه قضایی

* رویه قضایی به مجموع آراء و احکامی گفته می‌شود که دادگاه‌ها در موضوع خاصی، صادر می‌کنند. به عبارتی رویه قضایی را می‌توان عرف دادگاه‌ها نامید. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۸۷)

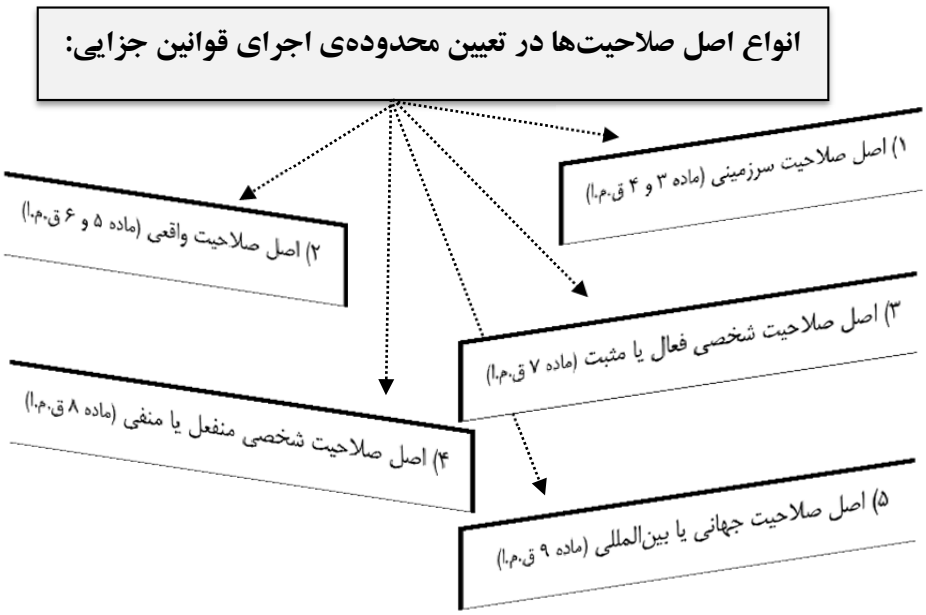
➢ **نکته:** دادگاه‌ها در مواردی که نسبت به یک مسأله حقوقی اظهارنظر کردند عادتاً در موارد مشابه نیز، از همان نظر نخستین خود تبعیت می‌کنند. اگر چه اعتبار هر حکم و رأی، مخصوص دعوایی است که دادگاه آن را رسیدگی کرده است و هیچ دادگاهی نمی‌تواند برای دادگاه‌های دیگر قاعده حقوقی وضع کند با این همه در

عمل نفوذ معنوی احکام و آراء دادگاه‌های عالی‌تر، به اندازه‌ای است که سایر دادگاه‌ها نیز خود را از نظر اخلاقی، موظف به تبعیت از تجربه دادگاه‌های دیگر می‌دانند. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۸۷)

مثال: از آنجایی‌که در دعاوی خانواده، دعوای استرداد طلاجات، یک موضوع مورد اختلاف بین محاکم قضایی بوده و برخی حکم به استرداد طلاجات و برخی دیگر حکم به عدم استرداد طلاجات می‌دهند ولی به عنوان مثال دادگاه بدوی فردیس، به دلیل اینکه شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان البرز در احکام خود حکم به استرداد طلاجات می‌دهد؛ لذا دادگاه بدوی فردیس نیز به دلیل اینکه دادگاه تجدیدنظر البرز را از خود بالاتر یا عالی‌تر می‌داند به تبع احکام آن، حکمی مشابه آن صادر می‌نماید.

فصل دوم: قلمرو قوانین جزایی در مکان و زمان

▪ مبحث اول: قلمرو قوانین جزایی در مکان



گفتار اول: اصل صلاحیت سرزمینی

* **صلاحیت سرزمینی** .....◄ عبارت است از صلاحیت کیفری دولت نسبت به جرایم ارتکاب‌یافته در قلمرو آن. (خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹، ص ۳۷)

ماده ۳ ق.م.ا

قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت **زمینی**، **دریایی** و **هوایی** جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود؛ مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

* منظور از عبارت **"کلیه اشخاص"** در صدر ماده ۳ ق.م.ا، هم شامل اشخاص **حقیقی** می‌گردد و هم شامل اشخاص **حقوقی**.

* منظور از عبارت **"قلمرو حاکمیت"**، مرزهای شناخته شده بین‌المللی است. (دکتر آزمایش، سیدعلی، مطالب استنباطی از کلاس درس حقوق کیفری بین‌المللی، نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۳-۸۲ دانشگاه تهران)

* منظور از عبارت **"قلمرو حاکمیت"**، خاک و فضای بالا و زیر آن، آب‌های ساحلی، سرزمین‌های اشغالی، سرزمین‌های تحت سرپرستی، کشتی‌ها و هواپیماها و وسایل نقلیه‌ی فضایی می‌باشد که دولت در قلمرو مزبور اعمال حاکمیت می‌نماید. (گلدوزیان، ایرج، همان، ص ۹۵)

نتیجه: منظور از صلاحیت سرزمینی، عبارت است از صلاحیت کیفری دولت ایران، نسبت به جرایمی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی آن ارتکاب می‌یابد.

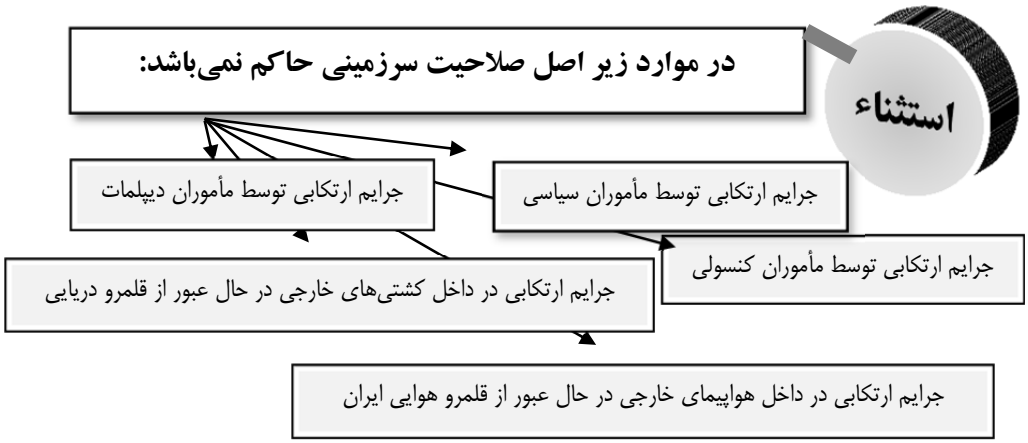
ماده ۶۶۴ از ق.آ.د.ک و یا ماده ۲۸ قانون جرایم رایانه‌ای

علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

بند الف: داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته است به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

بند ب: جرم از طریق تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (ir) ارتکاب یابد.

مثال: شخصی در کشور فرانسه، داده‌های مبتذل و مستهجنی را بر روی سایت سازمان سنجش بارگذاری می‌نماید. بدیهی است به جرم وی، طبق قوانین جزائی ایران رسیدگی خواهد شد.



بند اول: جرایم ارتکابی توسط مأموران سیاسی

* مأموران سیاسی، یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که دارای سمتِ سیاسی می‌باشند و وظیفه آن‌ها اغلب، ناظر به روابط سیاسی دولت متبوع خود با سایر دولت‌ها می‌باشد. مانند: رئیس جمهور.

ماده ۲۹ کنوانسیون وین

شخص مأمور سیاسی، مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. کشور پذیرنده با وی **رفتار محترمانه‌ای که در شأن او است** خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

مثال: پوتین (رئیس جمهور روسیه) در یکی از مسافرت‌های کاری خود به ایران، در داخل هتلی که اقامت دارد به یک خدمتکار ایرانی تجاوز نموده و خدمتکار دیگری را نیز به قتل می‌رساند. بدیهی است طبق ماده ۲۹ کنوانسیون وین، نه تنها حتی وی را به جرم قتل و تجاوز به عنف نمی‌توان دستگیر یا بازداشت نمود؛ بلکه می‌بایست با وی، رفتار محترمانه‌ای که در شأن ریاست جمهوری است، شود.

نکته: مأمور سیاسی و بستگان آن‌ها که اهل خانه مأمور سیاسی هستند (البته به شرط آنکه بستگان مأمور سیاسی، تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند) مصون بوده و نمی‌توان آن‌ها را به هیچ عنوان، مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت، مصون از تعرض می‌باشد و مأمور سیاسی از مصونیت تعقیب جنایی برخوردار است. (مواد ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۷ کنوانسیون وین)

مثال: در یکی از سفرهای سیاسی رئیس جمهور چین به ایران، همسر وی خانم چین چروک، مرتکب قتل یک ایرانی می‌گردد. بدیهی است در صورت عدم تابعیت یا اقامت دائمی وی در ایران، به دلیل مصونیت سیاسی، هیچ اقدامی از قبیل دستگیری، بازداشت یا تعقیب نمی‌توان انجام داد.

نتیجه

مأموران سیاسی در صورت ارتکاب جرم، مطلقاً قابل تعقیب از سوی کشور پذیرنده نیستند؛ بلکه کشور پذیرنده، ضمن اینکه مکلف است رفتار محترمانه‌ای در شأن این افراد داشته باشد؛ صرفاً می‌تواند آن‌ها را به عنوان عنصر نامطلوب از کشور اخراج نماید.

عدم امکان تعقیب مأموران سیاسی در ارتکاب جرم، در واقع **استثنائی بر اصل صلاحیت سرزمینی** است.

بند ۱ ماده ۴۱ کنوانسیون وین مصوب ۱۹۶۳

مصونیت قضایی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده، او را از تعقیب قضایی کشور فرستنده **معاف نخواهد داشت**.

مثال: چنانچه رئیس جمهور زیمبابوه در ایران، مرتکب جرم سرقت گردد؛ اگرچه در ایران، دارای مصونیت سیاسی است، ولی در کشور زیمبابوه، بابت این جرم مورد تعقیب و محاکمه قرار خواهد گرفت.

◢ بند دوم: جرایم ارتکابی توسط مأموران دیپلمات

* دیپلمات، به فردی گفته می‌شود که دارای یک مقام رسمی از سوی دولت خود بوده و مسئولیت **اجرای تصمیمات مربوط به سیاست خارجی** را بر عهده دارد. دیپلمات، فردی منصوب شده از سوی یک دولت است تا امور دیپلماسی را با دولت یا دولت‌های دیگر یا با سازمان‌های بین‌المللی اداره نماید. مانند: سفرا یا وزرای امور خارجه.

نکته: مأموران دیپلماتیک نیز همانند مأموران سیاسی، از مصونیت قضایی برخوردار هستند.

مثال: وزیر امور خارجه افغانستان، در ایران مرتکب جرم قتل می‌گردد. بدیهی است به دلیل مصونیت سیاسی، هیچ اقدام کیفری در خصوص وی نمی‌توان انجام داد و صرفاً می‌توان وی را به عنوان عنصر نامطلوب از کشور اخراج نمود.